



## Azizi Bank Master Card

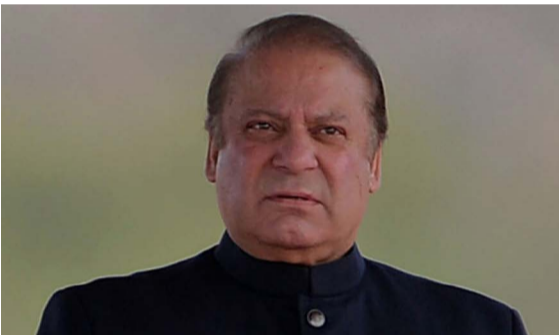


www.azizibank.af

1515

شریف:

### د هلیکوپتری عملی د خوشی کېدو لپاره له هر چینله کار اخلو



د پاکستان صدراعظم نواز شریف وايي، حکومت يې له رسمي او غيري رسمي چينلونو کار اخلي، خو هغه اووه کسان په خوندي توگه خوشې شي چې هلیکوپتر يې د لوگر په ازره کې بېرني ناسته کړې او سپاره يې د ځايي طالبانو له خوا نيول شوي دي.

نواز شريف دا څرگندونې د جمعې په ورځ په يو بيان کې يوه ورځ وروسته له هغې کړې چې يوه پاکستاني هلیکوپترې د لوگر په ازري ولسوالۍ د بېرني ناستې وروسته د طالبانو لاس ته ولوېده او اووه سپاره يې طالبانو يرغمل کړل.

د افغانستان د دفاع وزارت ويلي، په الوتکه کې ټول سپاره د وسله والو له خوا نيول شوي دي.

د افغانستان د دفاع وزارت په يوې خبرپاڼې کې ويلي، افغان حکومت يوې پاکستاني هلیکوپترې ته د افغانستان له فضا د تېرېدو اجازه ورکړې وه.

خبر پاڼه وايي، دوی اوس په دې اړه خبرې کوي چې ايا دا هماغه هلیکوپتره ده او که نه.

بل خوا د پاکستان د پوځ لوی درستيز جنرال راحيل شريف افغان ولسمشر اشرف غني سره خبرې کړي او له هغه يې د برته شويو کسانو په خوشې کولو کې مرسته غوښتې ده.

د افغانستان د دفاع وزارت وايي، حکومت دفاعي او امنيتي ځواکونو ته امر کړې چې د لوېدلې پاکستاني الوتکې د سپرليو د خوندي خوشې کولو لپاره دې هڅې وکړي.

اسلام اباد وايي، دا مې ۱۷ هلیکوپتره روسيې ته د ترميم لپاره روانه وه چې په لاره کې بېرني ناستې اړه شوه.

## کمیسیون مستقل نظارت بر تطبيق قانون اساسی راه «اصلاحات» را هموار کرد شورای ملی حق بحث درباره قوانین انتخاباتی را ندارد

بر اساس حکم ماده یکمصد و نهم قانون اساسی، حکومت مکلف نیست فرمان تقنینی مربوط به انتخابات و کمیسیونهای انتخاباتی را در سال اخیر دوره تقنینیه به شورای ملی ارایه کند و بر فرض ارایه، شورای ملی نمیتواند آن را در فهرست کار خود داخل گرداند.



صفحه ۶



ریاست جمهوری و دبیر مجلس:  
فیسبوک  
محدود نمی شود

صفحه ۶

### رسانه‌ها

### در برزخ توفیق و شکست



صفحه ۲

## شناسنامه برقی توزیع می شود

مشاور ریاست اجرایی:

### طرح ما برای توزیع شناسنامه پذیرفته شده است

بر اساس طرح جدید، در شناسنامه‌های برقی و قانون ثبت احوال نفوس هیچ گونه تغییری وارد نمی‌شود؛ اما همزمان به دارنده شناسنامه یک برگه داده می‌شود که در آن، بیش از سی مورد که اطلاعات مربوط به ملیت و مذهب را در بر دارد، گنجانیده می‌شود



صفحه ۶

در برک ها



فروشگاه زدران،  
تمثال بی‌ارزشی  
جان انسان این  
سرزمین



آموزه  
عشق در  
فلسفه هگل



مقام  
محمد



رونالدو، بیل،  
گریزمان ۳  
کزینه مرد  
سال فوتبال  
اروپا



مینه احمدی

# فروشگاه زدران؛

## تمثال بی‌ارزشی جان انسان این سرزمین



حیف که جان آدمی در این دیار قدر و قیمت ندارد!

و باز، جالب و دردآور این‌که فردای روز حادثه، پولیس کابل تا شامگاه، همه کچه‌ها و خیابان‌های منتهی به این نقطه پرترد شهر را به روی عبور و مرور عمومی بست. موتورها و سربازان پولیس در خیابان‌ها و کچه‌های متصل به محل حادثه ایستادند و از حرکت و وسایط نقلیه و حتا عابرین پیاده به آن سمت ممانعت کردند. کسانی که ناچار به گذشتن از چهارراهی کوتاه سنگی بودند، پس از هر بار بیرون آمدن از خانه، در کوچه و سرک با ممانعت و پرخاش سربازان پولیس مواجه می‌شدند. وقتی علت را هم می‌پرسیدند، سربازان می‌گفتند: «به امر وزیر داخله، محل حادثه برای انجام بررسی و تحقیقات باید از ترافیک خالی باشد.»

اما مردم این راه‌بندان و سخت‌گیری پولیس بر آنان را، حرکات بی‌جا و مانور پس از وقت از سوی پولیس می‌خواندند و می‌گفتند: نیروهای امنیتی می‌بایست علاج واقعه را قبل از وقوع حادثه می‌کردند و یا دست‌کم لیاقت و کاردانی خود را در روز حادثه، با نجات جان و مال مردم به نمایش می‌گذاشتند. در روز حادثه که می‌بایست این‌ها شجاعت نشان می‌دادند و به داد مردم می‌رسیدند، هیچ کار مثمیری از آنان سر نزد، حالا که همه چیز سوخته و خاکستر شده، آمده‌اند با بستن راه‌ها و پرخاشگری، به مردم زور نشان می‌دهند!

در پایان، نومیدانه به همه سرمایه‌داران و فروشگاه‌دارانی که میلیون‌ها دالر را خرج اعمار ساختمان‌های بلند و پُرشکوه می‌کنند، توصیه می‌شود که در موجودیت دولتی ناموسول، خود تمهیداتی برای جلوگیری از این حوادث در نظر گیرند. در کنار ساخت پله‌های اضطراری، تشکیل و تنظیم یک تیم ویژه آتش‌نشانی برای هر فروشگاه، مصرفی عقلائی و پُر از مصلحت است که هرگز پشیمانی به‌بار نخواهد آورد!

و چند انسان گیرمانده در ساختمان را از دام مرگ برهاند. نگاه مردم به حادثه، غالباً نگاهی کنجکاوانه و توام با هراس بود که هیچ گرهی از ماجرا نمی‌شکافت و حضور پولیس و رسیدن ناوقت اما پُرمطراق نیروهای آتش‌نشانی نیز، حضور و مانوری بی‌محتوا و تقریباً خالی از فایده بود که دل هر انسان جهان‌دیده و چیزفهم را به درد می‌آورد. نیروهای پولیس در هیجان و حیرت، دست‌کمی از مردم عادی نداشتند و نیروهای آتش‌نشانی نیز همانند سربازانی بودند که بدون سازوبرگ به جنگ غول آدمخوار آمده‌اند. جالب و دردآور این‌که یکی از موتورها آتش‌نشانی با آن‌همه صدا و آژیر، خالی از آب به میدان آمده بود و دیگر موتورها نیز توانایی پاشاندن آب بر آتش فروخته در طبقه آخر را نداشتند و آب را یکی - دو طبقه پایین‌تر از هدف می‌پاشیدند و به هدر می‌دادند.

هرچند خبرگزاری‌ها از مرگ و سقوط یک نفر در این رویداد گزارش دادند، اما برخی شاهدان عینی از سقوط ناگزیرانه و مظلومانه دو تن و سوختن یک کودک در میان شعله‌های آتش خبر می‌دادند؛ مرگ و سوختن که به‌نوعی مرگ انسانیت و مسوولیت در این خرابکده بود. به گفته همه شاهدان عینی، وقت و فرصت کافی وجود داشت تا پولیس این افراد را از مرگ و سقوط نجات دهد؛ اما موتورها آتش‌نشانی نه پله‌کانی برای نجات آسیب‌دیده‌گان داشتند و نه ابتکاری برای جبران کمبود امکانات. هلیکوپترهای ارتش نیز آن‌قدر چرخ بی‌جا در آسمان محل رویداد زدند که آتش به پشت سر فرد گیرمانده در ساختمان رسید و او در کمال ناامیدی، ناچاری و مظلومیت، خود را از بالا به پایین انداخت و جمجمه سرش بر زمین فرس شد.

این درحالی بود که با تهیه زینه بلند و یا حتا تهیه چند دوشک جمناسٹیک می‌شد جان این فرد را نجات داد؛ اما دریغ و صد

«من نه دل‌نگران سستم، نه دل‌نگران تجدد، نه دل‌نگران تمدن، نه دل‌نگران فرهنگ و نه دل‌نگران هیچ امر انتزاعی از این قبیل. من دل‌نگران انسان‌های گوشت و خون داری هستم که می‌آیند، رنج می‌برند و می‌روند.» مصطفی ملکیان

صبح روز پنجشنبه، شهروندان کابل بار دیگر شاهد وقوع رویدادی انسان‌کش و جانکاه در این شهر پُرشکوه بودند. این بار اما این رویداد نه محصول انفجار ماین بود و نه حاصل حماقت و شجاعت توامان «برادران ناراضی». بلکه فروشگاه بزرگ و مزدحم در شهری که از قضا «پایتخت» می‌خواندش، به یک‌باره در مقابل چشمان حیرت‌زده هزاران عابر و رهگذر، طعمه آتش شد و صحنه‌های پُر از درد و رنج آفرید. «اباسین زدران»، فروشگاه معروفی در چهارراهی کوتاه سنگی کابل، یکی از مراکز اقتصادی و پُرتردد پایتخت، است؛ جایی که حتماً هر شهروند کابل دست‌کم یک بار برای خرید کالای مورد نیاز به آن‌جا رفته و دست پُر به خانه برگشته است. صبح دو روز پیش، دکانی از دکان‌های طبقه آخر این فروشگاه نُه طبقه، به دلیلی که تا هنوز مشخص نشده، آتش گرفت و در ابتدای امر، همه به این باور بودند که قبل از این‌که آتش بتواند به طبقات پایینی سرایت کند، نیروهای آتش‌نشانی و مساعی بازاریان و اهل محل، آتش را مهار خواهند کرد.

ساعت‌ها، نشان داد که تراژدی‌یی سهمگین و بی‌برگشت در حال شکل گرفتن است؛ آتش در همان طبقه نهم از یک نقطه کوچک، شروع به دامن‌گسترده از دکانی به دکان دیگر کرد و بر پهنای دود برخاسته از ساختمان و شمار تماشاچیان افزود. مردم با هیاهو و هیجان بسیار، در کچه‌ها و سرک‌ها و در دیوار و بام خانه‌های شان این فلم واقعی را به تماشا نشستند و هیچ منجی‌یی یافت نشد که آتش را فرو خواباند

## سخن‌ماندگار

### حرف‌های مشرف از زبان کرزی

حامد کرزی رئیس‌جمهور پیشین، هفته گذشته در مصاحبه با روزنامه گاردین سخنانی بر زبان رانده است که از یک‌طرف نیروهای امنیتی را ضربه می‌زند و از جانب دیگر، از طالبان حمایت می‌کند و نیز جنگ طالبان در کشور را یک «جنگ داخلی» می‌خواند. او حضور ناتو در چهارده سال اخیر را ناکام خوانده و می‌گوید: نیروهای خارجی تا هنوز در آن ولسوالی‌هایی می‌جنگند که در زمان حضور یک‌صد و پنجاه هزار نفری شان در آن به نبرد می‌پرداختند. آقای کرزی در بخشی از مصاحبه‌اش، از بمباران طالبان توسط خارجی‌ها انتقاد کرده و هواداران این کار را از افغانستان نمی‌داند و نیز گفته است که مواضع طالبان مانند همیشه قوی است و این جنگ، سبب مرگ‌های بیهوده می‌گردد. او حتا گفته است که اگر ما خودمان نمی‌توانیم بجنگیم، پس از نیروهای خارجی نیز نمی‌توانیم بخواهیم که بیایند و برای ما بجنگند.

آقای کرزی در این مصاحبه گفته است که کمک نیروهای بین‌المللی مستقر در افغانستان به نیروهای امنیتی ما برای دوباره پس گرفتن مناطق از دست رفته، به‌جای این‌که هراس‌افکنی را تضعیف نماید، تأثیرات منفی به همراه دارد و حضور نیروهای امریکایی برای مبارزه با طالبان، بی‌فایده می‌باشد.

اما اکنون سخن اساسی این است: اگر آقای کرزی باور دارد دلیل افزایش جنگ حضور نیروهای خارجی است، پس پاسخ دهد که طالبان قبل از حضور نیروهای خارجی در برابر چه کسی می‌جنگیده‌اند؟

از جانب دیگر، آقای کرزی درحالی جنگ طالبان را «جنگ داخلی» می‌داند که ماهیت جنگ استخباراتی پاکستان در منطقه بالا گرفته و طالبان برای همه ابزار دست پاکستان شناخته شده‌اند. داخلی پنداشتن جنگ افغانستان، حرفی نیست که فقط آقای کرزی مطرح کرده باشد. سال‌ها پیش در زمان اقتدار او، آقای پرویز مشرف رئیس‌جمهور وقت پاکستان نیز گفته بود که جنگ طالبان، جنگ داخلی است.

این نشان می‌دهد که نگاه آقای کرزی و نگاه مشرف به قضیه طالبان و جنگ افغانستان، همسان است. از طرف دیگر، آقای کرزی با قوی معرفی کردن طالبان و ناتوان پنداشتن نیروهای امنیتی کشور، به گونه صریح خود را سخنگوی طالبان و یا هم یکی از رهبران این گروه معرفی می‌کند.

آقای کرزی اگر امروز بر هر نقطه منفی در روند مبارزه با تروریسم انگشت می‌گذارد، این انتقاد نخست به خودش برمی‌گردد. زیرا او همان کسی است که توسط امریکایی‌ها به اقتدار رسید و بعد راهبرد آنان را عملی ساخت و به پیاز امریکایی‌ها در کشور بیخ داد؛ ولی حالا در اکت یک رهبر مخالف امریکا نقش بازی می‌کند تا مانع شکل‌گیری یک جریان اصلی متقدم و غیر مسلح در برابر سیاست‌های امریکا شود.

اگر امروز به قول آقای کرزی طالبان قوی شده‌اند و نیروهای امنیتی در برابرشان جنگیده نمی‌توانند، دلیل آن برمی‌گردد به سیاست‌های او که هزاران طالب را از زندان‌ها رها کرد و به تقویت آنان به شکل واضح پرداخت و تیوری انتقال جنگ به شمال را ریخت. این آقای کرزی بود که استراتژی ناتو در امر مبارزه با تروریسم را ناکام ساخت و در سطح داخلی، آن را شکار علایق و سلابق خویش کرد. این آقای کرزی بود که زمانی با افتخار می‌گفت که ما پا به پای اهداف امریکا در منطقه حرکت می‌کنیم. گویی در آن‌زمان، امریکایی‌ها و در کل، خارجی‌ها و نیز اوضاع مملکت خوب‌و‌خوش بودند، ولی حالا همه چیز خراب شده است!

سخنان اخیر آقای کرزی، یک بار دیگر نشان داده است که او به عنوان مهره‌یی مخرب مخالف منافع ملی کشور عمل می‌کند؛ زیرا اکنون مزدوران آی‌اس‌آی را نسبت به فرزندان صدیق وطن ترجیح می‌دهد و برای آنان تبلیغ می‌کند. حالا مردم می‌دانند که حرف آقای کرزی و مشرف هیچ تفاوتی از هم ندارد. پنداشت‌ها و چشم‌اندازهای این دو، کاملاً یکی است و هیچ اختلافی میان این دو در مورد طالبان وجود ندارد. مردم افکار و رفتار آقای کرزی را درک کرده‌اند و فهمیده‌اند که او خود مسبب بسیاری از ناکامی‌ها و بحران‌ها - حتا بحران انتخاباتی - در افغانستان است و هنوز هم در تلاش خلق بحران و مسأله در کشور می‌باشد.

پیشنهاد ما به سران حکومت وحدت ملی این است که: این شخصیت مرموز را زیر نظر بگیرند و با رفتارها و اظهارات مخربش برخورد قاطع و قانونی داشته باشند.



# رسانه‌ها در بروز توفیق و شکست

## گفت‌وگو با نظری پریانی پیرامون رسانه‌ها، دموکراسی، احزاب و منافع ملی در افغانستان

مصاحبه‌کننده: بیژن آرین - دانش‌آموخته روابط بین‌الملل



بخش دوم



مواجهه شوند. فقط در صورت این تغییرات و تغییر نظام و تمرکززدایی از آن، جایگاه حزب معنی پیدا خواهد کرد و رسانه‌ها آنگاه می‌توانند نقش بسیار بارز و تعیین‌کننده‌ی را در بالنده‌گی احزاب ایفا کنند. تا وقتی که احزاب قوی در افغانستان شکل نگیرند و سیاست در اراده‌ی این‌ها نیاید، ما به یک نظام شایسته دست نمی‌یابیم و رقابت‌ها معنای خود را از دست می‌دهد. اکنون افراد با یک خرمن پول وارد میدان سیاست می‌شوند و معلوم نیست که این پول را از کدام راه به‌دست آورده و با آن فضای سیاست قدرت را به نفع خود مصادره می‌کنند.

**اگر یک آسیب‌شناسی در مورد کارکرد رسانه‌ها داشته باشیم، مواردی که رسانه‌ها در این ۱۴ سال در نظر نگرفته‌اند، چیستند؟**

شاید موارد زیادی باشد که رسانه‌ها مد نظر نگرفته‌اند؛ یکی از آن‌ها، تشویق جامعه جهانی و سیاست‌مداران به بیرون کشیدن سیاست از شکل وحشی آن و اهلی و مدنی ساختن آن می‌باشد.

رسانه نتوانسته اند شکل احزاب را در سیاست برجسته کنند و دولت در تشویق کند تا به طرف حزبی کردن و سازمانی ساختن سیاست، حرکت کند.

برای رشد دموکراسی کوتاهی رسانه‌ها در این بوده که نتوانستند از ماهیت انتخابات دفاع کنند و جهان را وادار به تمکین در این عرصه بسازند. اگرچه رسانه‌هایی را داشتیم که برای این مهم تلاش کردند، اما چون یک پروژه جهانی بر ما اعمال شده، هنوز در شرایط کاملاً منفعلانه قرار داریم و هنوز قدرت‌های کلان تصمیم می‌گیرند چه کسی کجا بنشیند. اما رسانه‌ها اگر همت کنند، می‌توانند این قالب تحمیلی را بشکنند و انتخابات واقعی را برای جامعه به ارمغان آورند.

برخی رسانه‌ها به‌خصوص رسانه‌های تصویری اصلاً متوجه نیستند که فعالیت‌شان همین دم و دور تر، یعنی یک نسل بعد چه تأثیری روی وضعیت فرهنگی جامعه و خانواده‌ها می‌گذارد. برنامه‌های برخی از رسانه‌ها کاملاً در تقابل با سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی جامعه ما قرار دارد. مسلماً همه سنت‌های جامعه ما همه پسندیده نیستند، بعضی از آن‌ها آن‌قدر منفورند که باید دور انداخته شوند. اما رسانه‌ها باید سنت‌ها و ارزش‌های پسندیده ما را تقویت کنند و سنت‌های ناپسند را با فرهنگ پسندیده جاگزین کنند. اما متأسفانه برخی رسانه‌ها با رویکرد بازاری خود، عکس این مسیر را طی می‌کنند و با نشر فیلم‌ها و سریال‌ها و سایر کالاهای نازل سینمایی و رسانه‌ی، جامعه را مورد شیخون فرهنگی قرار داده‌اند. این نگرانی وجود دارد که ولنگاری رسانه‌ها سبب برانگیختن شدن و جامعه را روزی به آشوب و عقب‌گرد فرهنگی بکشاند.

رسانه‌ها در قسمت آرایه تبدیل برای برخی از سنت‌های منفور در جامعه به شکل درست کار نکرده‌اند. به گونه نمونه هنوز هم در جامعه ما بدادن رایج است. این‌که کسی قتل کند و خواهرش را به عنوان جرمانه به خانواده مقتول بدهند، یکی از عادات بسیار ناپسند جامعه ما و در تضاد با ارزش‌های اسلام قرار دارد. رسانه‌ها می‌بایست در این زمینه آگاهی‌دهی می‌کردند و این عنعنات ناپسند را با برنامه‌های سالم و روشن‌گرانه کنار می‌زدند. این رسانه‌ها رسالت‌مند و جامعه‌شناس است که می‌تواند خانواده‌های افراطی و جرم‌اندیش را در مسیر تساهل و مدارا قرار دهد و سبب رشد و پاوروی فرهنگی جامعه گردد.

مسلم‌ها جوامع، مدام در حال تحول و پویایی‌اند و نگاه افراد به پدیده‌ها با گذشت زمان تغییر می‌کند؛ اما متأسفانه رسانه‌های ما همپا با تحولات جامعه حرکت نمی‌کنند و بسیاری اوقات درجا می‌زنند. حال آن‌که دست‌اندرکاران رسانه‌ها باید نیازهای جدید و رو به انکشاف جوامع را دریابند و بر اساس آن، دست به تولید برنامه بزنند.

مشخص و منافع آن، قرار داده است که ضد مردم سالاری و دموکراسی است.

**برخی بدین باورند که بی‌برنامه‌گی احزاب دلیلی شده برای عدم حمایت‌شان از طرف رسانه‌ها. چقدر با این دیدگاه موافق هستید؟**

وقتی در قانون اساسی به احزاب ارجح قابل نمی‌شوند و آنان را از قدرت و سیاست بیرون می‌کشند؛ وقتی در استراتژی کلان سیاسی دولت، جای احزاب به افراد مستقل داده می‌شود؛ حزب به عنوان یک پدیده مهجور و مطرود، با کدام امکانات باید کار بکند و برنامه بچیند. چنانچه جایگاه قانونی برای احزاب تعیین شود، دولت‌ها مکلف به حمایت از احزاب هستند و احزاب مسلماً در رقابت با یکدیگر دارای برنامه می‌شوند. اگر فرض کنیم دو حزب باهم رقابت دارند، برای به‌دست آوردن کرسی‌های در پارلمان بخواهند مبارزه بکنند، برای جلب مردم و رای نیاز به برنامه دارند که همین نیازمندی آن‌ها را وادار به برنامه‌ریزی می‌کند. اما

حالا کسانی می‌آیند و به‌اصطلاح حزب درست می‌کنند که معنای حقیقی و پشتوانه حقوقی لازم را ندارد، فقط نهادی ضعیف و شکننده به‌نام حزب وجود دارد. آن‌چه امروز ما به عنوان احزاب سیاسی و مردمی داریم هم، همه باقی‌مانده دوران جنگ و جهادند. مثلاً حزب جمعیت چندین دهه می‌شود که وجود دارد. این نوع احزاب به‌رغم حزب‌ستیزی،



به دلیل ریشه‌های محکم مردمی‌شان از بین برده نمی‌شوند. این احزاب هرچند توسط حکومت ثبت و به رسمیت شناخته شده‌اند، اما ساختار نظام ما به گونه‌ی است که آن‌ها را بر نمی‌تابد. از طرف دیگر اخلاق ارزش‌گذاری به حزب هم در افغانستان وجود ندارد؛ مثلاً در همه جهان می‌بینیم احزاب در جریان‌های انتخابات منسجم می‌شوند و اعضای آن باهم نزدیک‌تر شده و از نامزد درون حزبی یا بیرون حزبی به شکل خاصی حمایت می‌کنند. احزاب ایدئولوژیک بیشتر از دیگران، این یک دستی و تمسک را دارند. اما متأسفانه در افغانستان همین جزیب جمعیت که قوی‌ترین و یکی از تاریخی‌ترین حزب و ایدئولوژیک هم هست، در بیرون از انتخابات متحد و یک دست می‌نماید اما در جریان انتخابات که فرصت ثمر بخشی حزب است، اعضای ارشد آن به چندین پارچه متضاد تقسیم می‌شوند و نقش ایفا می‌کنند. این نشان می‌دهد که چون نقش احزاب در بنیاد رعایت نشده است، افراد به‌جای ارزش‌گذاری به حزب، در پی منافع شخصی و فردی از رهگذر سیاست‌اند و این وضع در مورد دیگر احزاب هم صدق می‌کند و شاید تا زمانی که ساختار متمرکز نظام و فردگرایی تغییر نکند و تا فهم عمومی از قدرت و سیاست و منافع عوض نشود، احزابی که در آینده هرچه ملی تر هم شکل بگیرند، به عین سرنوشت

حرکت کند. برای تحقق این مهم نه تنها کار اساسی‌یی صورت نگرفته است؛ بلکه برعکس، هر روز می‌بینیم در مناطق مختلف کشور کتله‌های افراطی شکل می‌گیرد و وارد میدان رسانه‌ها می‌شود و فضا را مسموم می‌سازد. از این رو ما نیاز داریم که رسانه‌های خود را به اندیشه‌های عالی و دانش لازم مسلح کنیم.

**رسانه‌ها در افغانستان چقدر در تقویت احزاب سیاسی نقش داشته‌اند؟**

رسانه‌ها در قسمت شکل‌دهی احزاب سیاسی نقش منفی بازی کرده‌اند. فعالیت رسانه‌ها از آغاز تا انجام در برابر احزاب سیاسی بوده و فقط چند رسانه به نفع احزاب سیاسی کار کرده‌اند که خود مشمول همان جریان سیاسی بوده‌اند. رسانه‌های مطرح هیچ‌گاه دموکراسی را با موجودیت احزاب سیاسی جمع نکردند و دموکراسی را بدون احزاب قلمداد کردند. البته این رویکرد متأثر از پروسه‌ی بود که می‌بایست در راستای تشکیل یک نظام کاملاً متمرکز برای افغانستان از سوی آمریکا و جامعه جهانی تطبیق می‌شد. از این رو آقای کرزی و یکتاده از غرب آمده‌ها بدین باور بودند که احزاب، بد هستند و تجربه خوبی از احزاب نداریم و رسانه‌ها نیز به‌نحوی از انحای پیام آن‌ها را انتقال می‌داد. آقای کرزی سعی می‌کرد اشخاصی را خارج از احزاب، وارد ساختار قدرت سازد و زمینه طرد کامل احزاب را فراهم سازد. حال آن‌که لازمه دموکراسی، شکل گرفتن احزاب است و تا زمانی که احزاب سیاسی فعال وجود نداشته باشند، از دموکراسی نمی‌توان بهره چندانی برد.

**در رابطه با احزاب و لزوم آن‌ها در دموکراسی بیشتر توضیح دهید.**

اگر احزاب در جامعه وجود داشته باشند و نظام دولتی و انتخاباتی نیز به گونه دموکراتیک میان آن‌ها تقسیم شده باشد، ضمن آن‌که کابینه و قوای سه‌گانه از انحصار رئیس‌جمهور و زیاده‌خواهی احتمالی وی بیرون می‌آید، زمینه برای فساد سیاسی و اقتصادی کم و کمتر می‌گردد؛ یعنی احزاب هر کدام مهارکننده یکدیگر در صحنه قدرت هستند و هیچ‌یک بدون در نظر داشت دیگری نمی‌توانند تصمیم بزرگی را در سطح کشور عملی سازد. در دموکراسی این چنینی، کرسی‌های قوای سه‌گانه و از جمله کرسی‌های پارلمان میان احزاب بخش می‌شود و کسانی که از طریق احزاب وارد نظام می‌شوند، هم در برابر مردم و هم در برابر نظام و هم در برابر احزاب پاسخگو می‌باشند. در دموکراسی

اشاره: این گفت‌وگو چندی پیش با نظری پریانی مدیر مسوول روزنامه ماندگار، به‌هدف استفاده در یک تحقیق علمی - دانشجویی انجام شده است. اما از آن‌جایی که «ماندگار» محتوای آن را برای خواننده‌گان گرامی خالی از فایده نمی‌داند، به نشر آن اهتمام ورزیده است.

**می‌گویند آزادی بدون حد و مرز، به آزادی دیگران صدمه وارد می‌کند. چقدر با این مورد موافق هستید؟**

آزادی به شکل افراطی و لجام‌گسیخته آن، مسخره و ویرانگر است. در همان کشورهایی که آزادی بیان به بازترین شکل و بلندترین حدش اعمال می‌شود، هرگاه از آزادی به شکل افراطی آن استفاده شده، مشکلات و چالش‌های فراوانی را پدید آورده است. مثلاً کسی که در آمریکا قرآن کریم را آتش زد و این عمل را مبتنی بر قانون آزادی بیان و عقیده خواند، چهره آمریکا را در جهان اسلام خدشه‌دار کرد و ذهنیت تقابل اسلام و غرب را شدت بخشید و به‌نحوی باعث رشد افراطیت در جهان شد.

بنابراین، آزادی بدون حد و مرز، خشونت و هرج‌ومرج پدید می‌آورد و آزادی تعریف شده و چهارچوب‌دار، تساهل و پیشرفت. در کشور ما برخی خطوط سرخ برای آزادی بیان مشخص شده‌اند؛ به گونه نمونه، توهین به دین اسلام، شکستن خط سرخ آزادی بیان است. افراد می‌توانند در گفت‌وگوها و نوشته‌های علمی‌شان، به نقد منطقی امور دینی بپردازند، پرسش کنند و پاسخ منطقی بخواهند، اما این‌که به دین دشنام دهند، به هیچ وجه با آزادی بیان سازگاری ندارد. مسلماً اگر آزادی از چوکات خود یا همان خطوط سرخ عدول کند، نفرت ایجاد می‌کند و به هیولای استبداد بهانه می‌دهد. رسانه یک ابزار است و کار کردن با این ابزار، دانش و درایت لازم خود را می‌طلبد.

**رسانه‌ها در افغانستان چقدر زمینه گفت‌وگو و تبادل ایده میان شهروندان را مساعد ساخته‌اند؟**

ما از رسانه در جهت گفت‌وگو میان شهروندان در صورتی می‌توانیم استفاده بهینه کنیم که شهروند آگاه داشته باشیم. اما در حال حاضر، بخش کوچکی از جامعه ما شهروند آگاه محسوب می‌شود و متبانی، هنوز با تساهل و مدارا آشنا نیستند و باید به مشق تساهل بپردازند و رسانه‌ها در این زمینه باید نقش محوری را به گردن بگیرند. بنابراین اگر رسانه‌ها در جامعه‌ی که به بلوغ فکری نرسیده است، دقیق و هوشمند عمل نکنند، ممکن است به‌جای تبادل ایده، به خلق نفاق و سوء تفاهم میان شهروندان کم‌سواد بپردازند.

**با در نظر داشت موجودیت رسانه‌های فراوان در کشور، آیا زمینه گفت‌وگو میان شهروندان ایجاد شده است یا این‌که رسانه‌ها به تعصبات و جانب‌داری از افراد و بحث‌های قومی و نژادی پرداخته‌اند؟**

نگاه‌مان به کارکرد و تأثیرگذاری یک رسانه، باید علمی باشد. شما زمانی می‌توانید در برابر تعصب و تبعیض قرار بگیرید و آن را حل کنید که اول آن را به عنوان یک واقعیت مطرح کنید. تعصب باید مطرح شود، تعصب باید تشریح گردد تا همه بوی بد آن را استشمام کنند و بفهمند - که چیز بدی است - و سپس در برابرش قرار بگیرند. افرادی که به آگاهی برسند، خود به خود در برابر این پدیده قرار می‌گیرند. رسانه‌ها مکلف هستند تا در زمینه آگاهی‌بخشی پیرامون مشکلات اجتماعی نظیر تعصب و نژادپرستی فعالیت بکنند. اما متأسفانه چون نگاه دست‌اندرکاران رسانه‌ها معطوف به درآمد از بازار و محدود به موضوع مالی می‌شود، از فعالیت در چنین حوزه‌هایی باز می‌مانند و بسنده می‌کنند به چند برنامه تفریحی و فرهنگی و چند چوکات کلیشه و تکراری. یعنی بسیاری از رسانه‌ها ما نمی‌خواهند یا نمی‌توانند رسالت‌مندانه حرکت کنند. مسلماً رسانه اگر به دست یک شخص فهیم بیفتد، نقش خوش می‌آفریند و درخت دوستی می‌نشاند؛ اما اگر به دست یک فرد متعصب و نفهم بیفتد، تخم نفاق جهالت می‌افشاند. بنابراین، زمانی تأثیرگذاری رسانه در جامعه برجسته می‌شود که رسانه تمام تلاشش را در جهت با سواد و باخبر ساختن اعضای جامعه به‌ویژه مدیران و سیاست‌گذاران کشور به خرج دهد تا جامعه از سخت‌گیری و تعصب به سوی تساهل و برابری



**بخش دوم و پایانی**

**با خلاقیت‌یابی و هدایت نوجوانان به مسیر مناسب، می‌توان زمینه شکوفایی استعدادها و رضای نیازهای روانی آنها را ایجاد کرد. با توجه به این‌که نوجوانان در این سنین، نیاز به جلب محبت و ابراز وجود دارند، با خلاقیت‌یابی و هدایت نوجوانان به مسیر مناسب، می‌توان زمینه شکوفایی استعدادها و رضای نیازهای روانی آنها را ایجاد کرد. انگیزه‌سازی، ایجاد خلاقیت و الگوسازی مناسب، نقش مهمی در سرگرم‌سازی نوجوانان و کاهش میزان دوستی‌های افراطی در بین آنها دارد**

**افسرده‌گی و خودکشی**

افسرده‌گی پس از جدایی و احتمال خودکشی، از دیگر عوارض چنین دوستی‌هایی است. پس از ایجاد دوستی، به دلیل ارتباط مستمر، نوعی حالت وابسته‌گی بین طرفین ایجاد می‌شود. در این دوره، نوجوان برای حفظ این ارتباط تلاش می‌کند و حاضر است هر هزینه‌ی برای ادامه روابطش بپردازد. آن‌ها مصر به ادامه ارتباط و حتی ازدواج هستند. در این حالت، قطع رابطه به افسرده‌گی شدید منجر شده و نوجوان بی‌حوصله می‌شود، میل به زنده‌گی ندارد و در مواردی نیز دست به خودکشی می‌زند. در این شرایط خانواده‌ها باید نسبت به شرایط آگاه باشند و تعادل برقرار کنند.

برخی از خانواده‌ها با ایجاد محدودیت بیش از حد و جداسازی فرزندان خود و برخی نیز با دادن آزادی‌های بی‌حساب و بی‌منطق به نوجوانان، دچار رفتارهای افراطی می‌شوند. اما اگر نوجوان احساس کند که می‌تواند بر اساس معیارها و ضوابط، رابطه‌ی منطقی با جنس مخالف برقرار کند، دچار عوارض شایع این روابط نمی‌شود.

گذشته از بی‌کفایتی و ناآگاهی والدین، شرایط محیطی، تناقضات اجتماعی، افراط و تفریط در مناسبات اجتماعی، به هم ریخته‌گی اوضاع فرهنگی و عدم الگوسازی مناسب برای جوانان در کنار عوارض طبیعی دوران نوجوانی، شرایط را برای ایجاد ناهنجاری‌های اجتماعی مهیا کرده و موجب ایجاد مشکلات عاطفی و روانی برای نوجوانان شده است. برخی رسانه‌ها با بزرگ‌نمایی حوادث و ناهنجاری‌های اجتماعی، باعث نگرانی خانواده‌ها می‌شوند و فضایی نامناسب و آلوده را در ذهن والدین شکل می‌دهند. در این صورت والدین برای جلوگیری از انحراف فرزندان، اقدام به محدودسازی آن‌ها کرده و به طور افراطی آن‌ها را از جامعه جدا می‌کنند.

همیشه این احتمال وجود دارد که نوجوانان عاشق شوند؛ اما فقط «دل‌ستانی» مشکل این پدیده نیست، بلکه مشکل اصلی از ناآگاهی والدین و فرزندان از چگونه‌گی ایجاد این روابط و حد آن ناشی می‌شود. در جامعه پیچیده امروز، نمی‌توان به طور سنتی جوانان را با هم آشنا کرد و باید به نقش اجتماع در این زمینه توجه شود. دانشگاه، محیط کار، مناسبات اجتماعی و رفت‌وآمدهای خانواده‌گی، بستری برای ایجاد ارتباط بین دو جنس مخالف را ایجاد می‌کنند.

با خلاقیت‌یابی و هدایت نوجوانان به مسیر مناسب، می‌توان زمینه شکوفایی استعدادها و رضای نیازهای روانی آنها را ایجاد کرد. با توجه به این‌که نوجوانان در این سنین، نیاز به جلب محبت و ابراز وجود دارند، با خلاقیت‌یابی و هدایت نوجوانان به مسیر مناسب، می‌توان زمینه شکوفایی استعدادها و رضای نیازهای روانی آنها را ایجاد کرد. انگیزه‌سازی، ایجاد خلاقیت و الگوسازی مناسب، نقش مهمی در سرگرم‌سازی نوجوانان و کاهش میزان دوستی‌های افراطی در بین آنها دارد.



**ابزارانگاری قوم یهود، زنده‌گی را در هم می‌شکنند و موجودات را به اشیایی بدل می‌کنند که به کار بهره‌مندی و تضمین امنیت فرد و خانواده‌اش می‌آید. روابط میان انسان‌های یهودی صرفاً عینی و ناشی از تفکر است. (۱۹) بنابراین هر چیزی تنها در رابطه با انسان و این قوم معنا می‌یابد. و تقدیر قوم یهود آن است که از جهان و آدمیان تا ابد جدا باشند.**

**در مقابل، تقدیر مسیح، از خودگذشته‌گی است. «او تقدیر خود را در همین جدایی می‌بیند و قادر به آشتی یافتن با خود نیست... مسیح... تقدیر خویش را در تقابل با دنیایی می‌بیند که برای او بیگانه شده و وی از راه عشق بر آن غلبه می‌کند»**

از طریق شفاعت مسیح، نمودی از همین آشتی‌پذیری با جهان و تقدیر خویش است. و گذر از خود در عشق ابزارانگاری قوم یهود، زنده‌گی را در هم می‌شکنند و موجودات را به اشیایی بدل می‌کند که به کار بهره‌مندی و تضمین امنیت فرد و خانواده‌اش می‌آید. روابط میان انسان‌های یهودی صرفاً عینی و ناشی از تفکر است. (۱۹) بنابراین هر چیزی تنها در رابطه با انسان و این قوم معنا می‌یابد. و تقدیر قوم یهود آن است که از جهان و آدمیان تا ابد جدا باشند.

در مقابل، تقدیر مسیح، از خودگذشته‌گی است. «او تقدیر خود را در همین جدایی می‌بیند و قادر به آشتی یافتن با خود نیست... مسیح... تقدیر خویش را در تقابل با دنیایی می‌بیند که برای او بیگانه شده و وی از راه عشق بر آن غلبه می‌کند.» (۲۰) تقدیر مسیح در سر سپردن به صلیب و گذشتن از خود در راه سعادت آدمیان از برکات عشق است. هگل در این آشتی‌جویی با تقدیر خویش و در گذشتن از خود آزادی راستین روح را در می‌یابد. (۲۱)

پی‌نوشت‌ها:

۱. کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه، جلد ۸ (از فیشته تا نیچه)، انتشارات سروش، ۱۳۸۲، ص ۱۱۰
۲. همان، ص. ۱۶۴
۳. استیس، والتر ترنس، فلسفه هگل، ترجمه حمید عنایت، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸، ص. ۵۶
۴. Hegel, G. W. F, The Elements of Philosophy of Rights, trans by H. B. Nisbat, Cambridge University Press, ۲۰۰۳, p. ۴۷
۵. ibid, p. ۵۶
۶. ibid, p. ۶۸
۷. فلسفه هگل، ص. ۸۵
۸. The Elements of Philosophy of Rights, p. ۷۷
۹. ibid, p. ۹۰
۱۰. فلسفه هگل، ص. ۱۰۱
۱۱. The Cambridge Companion to Hegel, ed by Frederick C. Beiser, Cambridge University Press, ۱۹۹۹, p. ۵۵
۱۲. فلسفه هگل، ص. ۱۰۱
۱۳. The Cambridge Companion to Hegel, p. ۱۱۲
۱۴. ibid, p. ۱۱۰
۱۵. ibid, p. ۱۳۲
۱۶. ibid, p. ۱۵۶
۱۷. فلسفه هگل، ص. ۱۱۲
۱۸. فلسفه هگل، ص. ۱۴۵
۱۹. The Elements of Philosophy of Rights, p. ۱۱۲
۲۰. ibid, p. ۱۶۶
۲۱. ibid, p. ۱۸۰



ابوالفضل رجبی

# عشق در فلسفه هگل آموزه

بخش دوم و پایانی

**د: تناهی عشق**

اما عشق از گسترش خود تا بی‌نهایت، ناتوان است و چنان‌چه تا بی‌کران گسترده شود، عمقش را از دست می‌دهد. مظهر این ناتوانی، عمیقاً در وجود مسیح یافت می‌شود. هگل نیز «همانند ارسطو می‌داند که عشق نمی‌تواند بدون از دست دادن شور و حالش تداوم یابد» (۱۲). مسیح به عنوان مظهر عشق در می‌یابد که تقدیر او، از سرنوشت قومش جدا است. او نمی‌تواند به یک‌باره جهان را به کیش خود در آورد، مگر از طریق مرگ بر روی صلیب و نیز رواج انجیل به واسطه حواریانش. بنابراین این عشق، به اشتیاقی ارضا نشده، ناآرام و بی‌پایان بدل می‌شود که عاملی اساسی و اجتناب‌ناپذیر در تجربه دینی به شمار می‌رود. (۱۳)

در مقابل این مذهب (که به واسطه شهادت عیسی کاملاً شخصی است) دین یهود قرار دارد. باید دانست که دین یهود، آرمان هگل است، زیرا مذهبی قومی به حساب می‌آید. (۱۴) این مذهب به واسطه اجتناب از عشق، در میان قوم تداوم دارد.

**ه: آشتی با جهان از طریق عشق**

منشای دین یهود، نفرتی است که وحدت کهن زنده‌گی را از بین می‌برد. ابراهیم هیچ عشقی با جهان و آدمیان ندارد و همه

پیوندهای عاشقانه‌اش را از هم می‌گسلد و به تعبیر هگل، از روحیه خصومت با جهان و دیگر آدمیان برخوردار است. (۱۵) بدین طریق نسبت قوم یهود (و در رأس آن‌ها ابراهیم) با جهان، ابزاری است. حتا رابطه آنان با خدا به سطح برده‌گی و بنده‌گی تنزل می‌یابد؛ زیرا انزجار، ضرورتاً به رابطه خواجه (که در این حالت خدا است) با اموال، انسان‌ها یا نظایر آن سرایت می‌کند. (۱۶) رابطه نامتناهی و متناهی از هم گسسته است. درواقع «نامتناهی در ماوراء قرار دارد و خود تبدیل به شیء شده است». (۱۷) دیگر هر چیزی در رابطه با انسان شیء‌ی متناهی است.

اما عیسی پیامبر عشق است و عشقش بیش از هر چیز بر وحدت زنده‌گی تأکید دارد. هگل در پاسخ به تعارض کانتی وظیفه و تمایل، انقیاد بنده‌وارانه را نسبت به خدا، طرح می‌کند. این انقیاد در عشق مسیحی نمود می‌یابد. مسیح «احترام به قوانین را نمی‌آموزد، برعکس چیزی را عرضه می‌کند که به قوانین وفادار است، اما آن‌ها را به مثابه قوانین فسخ می‌کند و بدین سان بالاتر از اطاعت قوانین است». (۱۸) این امر یعنی از در آشتی درآمدن با جهان به واسطه عشق. آموزه‌های مسیحی هم‌چون رحمت الهی



اگر پای مقایسه به میان آید تا معلوم شود که رهروان محمد شرورند یا پیروان ادیان دیگر، این مسأله جای تأمل دارد: کشتن و بستن در همه جا وجود دارد، با این تفاوت که کسانی به بمب و راکت مجهزند و از آن استفاده می‌برند و عده‌یی هم که دست خالی دارند، با ابزار ساده به میدان می‌روند. جالب این‌جاست که رسانه‌های جهانی در مورد اول، ایرادی ندارند و چه بسا که با آب‌وتاب از آن سخن می‌گویند؛ اما گونه دوم را یک عمل تروریستی می‌خوانند و آن را تقبیح می‌دارند. آن‌هایی که کشورها را به خاک و خون می‌کشند، قدرت‌های جهانی خوانده می‌شوند؛ ولی کسانی که به صورت ابتدایی می‌جنگند، ناقضین حقوق بشر و جنایت‌کاران جنگی لقب داده می‌شوند

نشده است: با شرح و تفصیل نام کاتبان وحی در تاریخ آمده، چگونه‌گی ثبت آیات قرآن کریم گزارش شده و به قدری با دقت در این زمینه کار صورت گرفته که جای سوال در آن باقی نمانده است. این‌که قرآن پس از وفات محمد چگونه ترتیب یافت و در دسترس همه مسلمانان قرار گرفت، از اخبار اتفاقی‌ست که پژوهش‌های بعدی نیز بر آن صحنه نهاده است. در کنار آیات قرآن مجید، نسخه‌های کوچکی نیز از احادیث نبوی در آن‌زمان تدوین شدند که بعدها مجموعه‌های بزرگ حدیث از جمع‌آوری آن‌ها شکل گرفتند.

پژوهش‌گران وقتی به کار مقایسه میان ادیان می‌نشینند، پیش از همه مستند بودن روایت‌ها برای آن‌ها مطرح می‌گردد و نمی‌شود بدون مراعات این اصل، به داورى پردازند و نتیجه‌یی به دست دهند. در چنین میدانی، هیچ یک از ادیان نمی‌تواند با پیام محمد به همسری برخیزد و دم از رقابت زند. به قدر لحظه‌هایی که از ازل تا به ابد جاری بوده و جاری است، صلوات بر محمد و آل و اصحابش باد!

بیدل در وصف مقام و منزلت سرور کائنات سروده است:

ادب گاهی است زیر آسمان از عرش نازک‌تر  
نفس گم کرده می‌آید، جنید و بایزید این‌جا  
جمع‌بندی  
آن‌گونه که گفته آمد، عمده‌ترین امتیاز و برتری

به شدت ناگواری به سر می‌برند، به پیمان‌هایی که به زنده‌گی در زیر سایه حاکمیت پیروان ادیان دیگر می‌شتابند و هرگونه خطری را هم در این راستا پذیرا می‌شوند؟ وقتی پیامی نتواند صلح و آرامش را تأمین بدارد، دوستی و اخوت را برقرار سازد، زنده‌گی را سامان بخشد، امتیازات روی کاغذ چه معنا و ارزشی می‌تواند داشته باشد؟

در پاسخ باید گفت: اختراع ماشین، هواپیما، برق، کامپیوتر و نظایر آن‌ها، هر یک در حیات بشر نقش به‌سزایی ایفا کرده و زنده‌گی را سهل و بهتر ساخته‌اند، اما می‌توان نقش هر یک از آن اختراعات را با پیام‌هایی که به وسیله پیامبران آمده است، به مقایسه گرفت؟ آیا ایمان به خدا و ایمان به روز قیامت، تأکید بر عفو و گذشت، تشویق صلوة رحم، احترام به کرامت بشری و امثال آن‌ها مهم‌اند یا اختراعاتی که برشمرده شد؟ معضله جدی میان انسان‌ها، نبود همکاری و تعاون، شفقت و نوع‌دوستی است، نه کمبود وسایل مدرن. ابزار مدرن به انسان قدرت و سرعت بخشیده، کارهایش را آسان کرده و پاره‌یی از امراض مهلک را از میان اولاد بشر نابود کرده است، ولی به همان پیمان‌ها که اختراعات تسهیل‌کننده بوده‌اند، مشکل‌آفرین نیز شده‌اند؛ اسباب درد، درپه‌دردی و کشتار دسته‌جمعی را فراهم کرده‌اند. مسلماً آن چیزی که مایه اصلی سعادت انسان را مهیا می‌دارد، نه ابزار و وسایل پیشرفته، بلکه ایمان و اخلاق است.

وجود اختلاف در میان مسلمانان و فرقه فرقه شدن

جوی‌های خون جاری می‌سازد، عوامل دیگری مانند منافع اقتصادی، غلبه نیروی شهوانی، برتری‌جویی‌های قومی ناشی از تربیت‌های بدوی و خشونت‌زا، دسایس حلقات مغرض و امثالهم می‌باشد.

اگر پای مقایسه به میان آید تا معلوم شود که رهروان محمد شرورند یا پیروان ادیان دیگر، این مسأله جای تأمل دارد: کشتن و بستن در همه جا وجود دارد، با این تفاوت که کسانی به بمب و راکت مجهزند و از آن استفاده می‌برند و عده‌یی هم که دست خالی دارند، با ابزار ساده به میدان می‌روند. جالب این‌جاست که رسانه‌های جهانی در مورد اول، ایرادی ندارند و چه بسا که با آب‌وتاب از آن سخن می‌گویند؛ اما گونه دوم را یک عمل تروریستی می‌خوانند و آن را تقبیح می‌دارند. آن‌هایی که کشورها را به خاک و خون می‌کشند، قدرت‌های جهانی خوانده می‌شوند؛ ولی کسانی که به صورت ابتدایی می‌جنگند، ناقضین حقوق بشر و جنایت‌کاران جنگی لقب داده می‌شوند. افزون بر آن، چه بسا که در عقب این‌همه جنایات و کشتار در میان مسلمانان، دست‌های قدرتمندی در فعالیت است که در تباهی و بربادی مسلمانان، منافع خود را جست‌وجو می‌کنند. شاید بپرسید که «این چه پیام عالی است که پیروانش را در برابر دست‌درازی‌ها و دسایس دشمنان واکسینه نکرده و همیشه آن‌ها در معرض خطر قرار دارند، فریب دیگران را می‌خورند و به جان هم می‌افتند؟»

به باور نویسنده، ملامتی وضعیت اسف‌بار کنونی جهان اسلام، به پیام محمد بر نمی‌گردد. مسوولیت این‌همه به سران و رهبران نالایق کشورهای اسلامی می‌رسد که چون خفاشان از دیدن خورشید عاجز مانده‌اند و در تاریکی‌ها به خواهش‌های شخصی و قومی‌شان چسبیده‌اند.

بدون آن‌که ذره‌یی از ضعف‌ها و کاستی‌های سران کشورهای اسلامی چشم‌پوشی صورت گیرد، باید اذعان داشت: وضعیتی که امروز در جهان اسلام می‌گذرد، برنامه کلانی‌ست که غرب در برابر مسلمانان به راه انداخته است. به سخن دیگر، وضعیت اسف‌بار جاری در خاورمیانه، افغانستان و شمال افریقا جوشیده از درون مسلمانان نیست، بل برنامه خصمانه‌یی‌ست که دیگران طرح‌ریزی کرده‌اند. من یقین دارم که امت مسلمه در فرجام از آن به سلامت می‌گذرد و گروه‌هایی که در عصر حاضر بقای خود را در جنگ و ستیز دنبال می‌کنند، خود راه زوال و نابودی خواهند پیمود.

خدایا چنان کن که پایان کار  
تو خوشنود باشی و ما رستگار!

منابع:

۱. قرآن مجید مترجم: مصطفی خرم‌دل
۲. فی ضلال القرآن سید قطب
۳. گوشه‌یی از پیام تو صلاح‌الدین سلجوقی
۴. ویژه‌گی‌های کلی اسلام یوسف قرضاوی، مترجم: جلیل بهرامی‌نیا
۵. رسالت محمدی سید سلیمان ندوی، مترجم: عبدالحق عتید
۶. دین‌شناسی تطبیقی کدارنات تیواری، مترجم: مرضیه شنکائی
۷. بسط تجربه نبوی عبدالکریم سروش
۸. احیای فکر دینی در اسلام محمد اقبال، مترجم: احمد گدام
۹. اسلام میان دو دیدگاه شرق و غرب علی عزت بیگوویچ، مترجم: سید حسین سیف‌زاده
۱۰. جستارهایی در دین‌شناسی تطبیقی سید احمد اشرفی
۱۱. شرح نصوص الحکم ابوالعلا عفیضی، مترجم: نصرالله حکمت

# مقایسه



بیدار الجلیظ منصور  
بخش پنجم و بیانی

آن‌ها، ویژه مسلمانان نیست. اختلافات و تعدد آرا در میان همه گروه‌های بشری وجود دارد، این امر به ذهن انتخاب‌گر تعلق می‌رساند و از امتیازات انسان به شمار می‌رود. در اثر همین اختلافات و انتخاب‌گری است که راه‌های بهتر شناسایی می‌گردد، روش‌های نیکو بیرون می‌آید و ابزار و وسایل کارسازتر تولید می‌شود. از سوی دیگر، هر متنی آستان تفسیرها و تأویل‌های متعدد می‌باشد و هیچ متنی را برای گریز از این قاعده نیست. اما آن‌چه این مسأله را به جنگ و کشتار می‌کشاند، اختلاف در برداشت و تفسیر متون نمی‌باشد. ریشه خصومت و خشونت را در جای دیگر جست‌وجو باید کرد، نه در متون دینی. مگر فراوان ندیده‌ایم که اشخاص متعدد با آرا و نظریات مختلف در کنار یکدیگر زنده‌گی می‌کنند و در عین حال به یکدیگر احترام می‌ورزند. اگر در زنده‌گی اختلاف نبود و در میان بشر ظرفیت تفسیر و تأویل وجود نمی‌داشت، حیات انسانی به‌سان زنده‌گانی سایر جانوران راکد و یک‌سان می‌ماند. آن‌چه اختلاف رای و نظر را به دشمنی و خصومت می‌کشاند و

پیامبران در پیام‌شان است، نه در جهان‌گشایی آن‌ها و نه در قدو قامت رسای ایشان؛ از همین بابت «پیامبر» نامیده می‌شوند. در میان پیامبران الهی و پیامبران ادیان شرقی، محمد جایگاه بی‌همتایی را احراز کرده است؛ زیرا پیامش خدایی، انسانی، جامع، واقع‌بینانه، واضح، معتدل، انعطاف‌پذیر، مستند و دارای الگوی عالی و فراگیر می‌باشد.

وقتی این نبشته در اختیار خواننده‌گان قرار می‌گیرد، شماری از آن‌ها امتناع می‌ورزند، شمار اندکی هم که میلی به خواندن این‌گونه موضوعات دارند، گاهی از خود و زمانی از دیگران می‌پرسند: «پیامبری چه کاری است که محمد به‌سر رسانده است؟ ایشان اگر وسیله‌یی اختراع می‌کردند، بهتر از کار پیامبری نبود؟ این‌همه در باب شفافیت دستوره‌های محمد گفته آمد و از روشنی پیام او سخن رانده شد، پس چرا این‌همه فرقه‌بندی و اختلاف تا حد کشتار و خونریزی در میان مسلمانان وجود دارد؟ دینی که چندین امتیاز به او نسبت داده شد و از برتری محمد و پیامش حرف به‌میان آمد، چرا در حال حاضر رهروانش در وضعیت

کثیری از پژوهش‌گران اعتراف داشته‌اند که محمد در زیر نور آفتاب متولد شده و در همان‌جا زنده‌گی‌اش را سپری کرده است. این سخن بدین معنی است که هیچ گوشه‌یی از زنده‌گی محمد پوشیده و ناگفته باقی نمانده است. مورخان از زنده‌گی مادر و پدرش گرفته، تا قوم و قبیله او پرده برداشته‌اند. ماه و روز تولدش، دوران کودکی، عهد جوانی، دوران پیامبری و سرانجام لحظات مرگش را به رشته تحریر درآورده‌اند. سیره‌نویسان هرکدام یکی از پهلوهای زنده‌گی محمد را درج و ثبت اوراق تاریخ کرده‌اند. به گونه مثال در تاریخ، از نوع لباس، غذای دل‌خواه، پاپوش‌های او، شانه موی او، اثاث منزل او، نام همسران و فرزندان او و خلاصه همه ابعاد زنده‌گی او درج شده است. سید سلیمان ندوی می‌گوید: پیامبر تنها شخصیت در تاریخ بشریت است که به همسران خود رخصت می‌داد که از چگونه‌گی زنده‌گی‌شان با محمد به دیگران حکایت کنند و نگذارند چیزی از نظرها مخفی بماند، در حالی که سایر چهره‌های نامدار تاریخ سعی داشته‌اند زنده‌گی خصوصی‌شان در پرده مخفی بماند.

هیچ مورخی در ثقة بودن قرآن دچار شک و تردید





# کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی راه «اصلاحات» را هموار کرد

## شورای ملی حق بحث درباره قوانین انتخاباتی را ندارد



کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی افغانستان، اجازه اصلاحات در نظام انتخاباتی را به حکومت صادر کرد.

کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی کشور در خبرنامه‌یی که در سایت خود منتشر کرده، در مورد قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی نگاهشده است: «بر اساس حکم ماده یکصد و نهم قانون اساسی حکومت مکلف نیست فرمان تقنینی مربوط به انتخابات و کمیسیون‌های انتخاباتی را در سال اخیر دوره تقنینی به شورای ملی ارائه کنند و بر فرض ارائه، شورای ملی نمی‌تواند آن را در فهرست کار خود داخل گرداند.»

مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۹ رییس جمهور اسلامی افغانستان در مورد قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی که به تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۹ به شورای ملی احاله گردید، به تاریخ ۱۳۹۵/۳/۲۴ از طرف ولسی جرگه رد و به تاریخ ۱۳۹۵/۴/۸ از طرف مشرانو جرگه تایید شد ولی به خاطر اختلاف نظر بین دو جرگه مطابق به ماده صدم قانون اساسی، هیأت مختلط مجلسین شورای ملی تشکیل گردید اما موفق به رفع اختلاف نشد، اکنون که شورای ملی در حالت تعطیل تابستانی خود قرارداد مطابق به احکام مواد هشتم و نهم قانون کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی نظر مشورتی حقوقی خود را در موارد ذیل ابراز نماید:

- فرمان تقنینی مذکور از نگاه حقوقی و قانونی در چه وضعیتی قرار دارد؟
- در صورت صدور فرمان تقنینی جدید در مورد انتخابات بر اساس ماده ۷۹ قانون اساسی، آیا این فرمان، قابل احاله به شورای ملی می‌باشد یا خیر؟

کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی با اذعان به اهمیت انتخابات و نقش آن در تأمین مشروعیت نظام مبتنی بر اراده مردم و حاکمیت ملی و نیز وجود نگرانی‌های ملی و بین‌المللی از تأخیر انتخابات بر ضرورت انجام اصلاحات انتخاباتی و برگزاری هرچه عاجل انتخابات مندرج قانون اساسی تأکید می‌نماید. کمیسیون احاله فوق‌الذکر مقام محترم ریاست جمهوری را بر اساس حکم ماده نهم و جزء دوم ماده هشتم قانون کمیسیون در جلسه عادی مورخ ۱۳۹۵/۵/۳ خویش طرح و بعد از بحث و بررسی به اکثریت آرا نظریه حقوقی ذیل را بر مبنای احکام قانون اساسی ابراز می‌نماید:

پاسخ سؤال اول: بر اساس حکم ماده یکصد و نهم قانون اساسی حکومت مکلف نیست فرمان تقنینی مربوط به انتخابات و کمیسیون‌های انتخاباتی را در سال اخیر دوره تقنینیه به شورای ملی ارائه کنند و بر فرض

در این خبرنامه افزوده شده است: «همچنین با توجه به جایگاه حقوق بنیادین و بی‌بدیل انتخابات در نظام سیاسی کشور و ضرورت حفظ و تداوم مشروعیت نظام مبتنی بر قانون اساسی و برخاسته از آرای مردم؛ همچنین برای پیشگیری از تضییع حقوق اساسی شهروندان، حکومت بر اساس ماده هفتاد و نهم قانون اساسی می‌تواند هر نوع فرمان تقنینی جدید را در ایام رخصتی شورای ملی در مورد انتخابات و کمیسیون‌های انتخاباتی صادر نماید و این فرمان در سال اخیر دوره تقنینیه، بدون ارائه به شورای ملی قابل تطبیق می‌باشد.»

### متن کامل نظریه حقوقی کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی

ریاست عمومی اداره امور ریاست جمهوری اسلامی افغانستان طی مکتوب شماره (۵۳۵۰) مورخ ۱۳۹۵/۴/۳۱ خویش چنین نگاهشده است:

«به کمیسیون محترم مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی. بر اساس هدایت جلالتمآب رییس جمهوری اسلامی افغانستان مراتب ذیل احتراماً نگاهشده می‌شود: چنانچه در جریان قرارداد ریاست تقنینی شماره (۱۵۹)

### ریاست جمهوری و دبیر مجلس:

# فیسبوک محدود نمی‌شود

ابوبکر صدیق

هیچ برنامه‌ی برای محدود کردن رسانه‌های اجتماعی به خصوص فیسبوک در افغانستان وجود ندارد.

مسئولان در ریاست جمهوری و اعضای اداری مجلس با تکذیب درخواست محدود کردن رسانه‌های اجتماعی به خصوص فیسبوک می‌گویند: هیچ اراده‌ی برای محدود کردن رسانه‌های اجتماعی وجود ندارد. آنان می‌گویند که هیچ مکتوب رسمی در زمینه از نشانی مجلس نماینده‌گان به ریاست جمهوری فرستاده نشده است.

از سویی دیگر، مسئولان در وزارت مخابرات و تکنالوژی نیز از این موضوع ابراز بی‌خبری کرده می‌گویند: دستوری برای محدود کردن رسانه‌های اجتماعی و به خصوص فیسبوک از ریاست جمهوری دریافت نکرده‌اند.

این در حالی است که نهاد نی حمایت‌کننده رسانه‌های آزاد افغانستان روز پنجشنبه (۱۴ اسد) گفته است که شماری از نماینده‌گان مجلس خواهان محدودیت فیسبوک در کشور شده‌اند.

صدیق‌الله توحیدی، رییس دیدبان رسانه‌های دفتر نی گفته است که بر اساس اطلاعاتی که به دست آورده‌اند، شماری از نماینده‌گان مجلس مکتوبی را به اداره امور ریاست جمهوری فرستاده و خواستار محدودیت فیسبوک در این کشور شده‌اند.

اما، مسئولان در ریاست جمهوری با رد این موضوع می‌گویند که هیچ مکتوب رسمی از طرف مجلس نماینده‌گان مبنی بر محدود ساختن شبکه‌های اجتماعی دریافت نکرده‌اند.

شاه حسین مرتضوی، معاون سخنگوی ریاست جمهوری در مصاحبه با روزنامه ماندگار می‌گوید: هیچ مکتوب رسمی که در آن شکایت برای محدود

ساختن رسانه‌های اجتماعی صورت گرفته باشد، از طرف مجلس نماینده‌گان به ریاست جمهوری فرستاده نشده است.

آقای مرتضوی گفت: این وظیفه وزارت اطلاعات و فرهنگ است که در مورد قانونی ساختن رسانه‌های اجتماعی به خصوص فیسبوک چگونه راهبردی را در پیش می‌گیرد.

در همین حال، عبدالروف انعامی منشی مجلس نماینده‌گان از صدور مصوبه مبنی بر ایجاد محدودیت رسانه‌های اجتماعی از مجلس نماینده‌گان، ابراز بی‌خبری کرده می‌گوید: هیچ مصوبه به‌خاطر محدود کردن رسانه‌های اجتماعی از نشانی مجلس نماینده‌گان به ریاست جمهوری فرستاده نشده است. آقای انعامی افزود: در نشست‌های عمومی و نشست‌های امتیازی بحث روی محدود ساختن شبکه‌های اجتماعی صورت نگرفته است و از نشانی مجلس نماینده‌گان چنین مصوبه‌ی صادر نشده است.

به گفته او، خواست‌ها و مصوبات مجلس نماینده‌گان به دست‌خط هیأت اداری صادر می‌شود؛ اما درخواستی مبنی بر این‌که مجلس نماینده‌گان خواستار محدود کردن رسانه‌های اجتماعی به خصوص فیسبوک باشند، حتا از نشانی کمیسیون‌های این مجلس هم صادر نشده است. از سویی هم، مژگان مصطفوی، معاون نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ گفته است که تاکنون مکتوبی مبنی بر درخواست محدود شدن فیسبوک از سوی نماینده‌گان به آنها نرسیده و اگر برسد نیز عملی نخواهد شد.

این در حالی است که یاسین صمیم سخنگوی وزارت مخابرات و تکنالوژی می‌گوید: وزارت مخابرات و تکنالوژی در عرصه ارائه خدمات اینترنتی برای همه شهروندان به صورت یکسان تلاش می‌کند و سانسور و محدودیت بر آن نمی‌پذیرد.

## شناسنامه برقی توزیع می‌شود

مشاور ریاست اجرایی:

### طرح ما برای توزیع

## شناسنامه پذیرفته شده است

هارون مجیدی

مسئولان ریاست اجرایی حکومت وحدت ملی می‌گویند که آنان به‌خاطر بیرون رفتن از بن‌بست توزیع شناسنامه‌های برقی، طرح بدیلی را ارائه کرده‌اند.

مسئولان در ریاست اجرایی هم‌چنان می‌گویند، طرح تازه پیشکش شده در خود انعطاف‌های فراوانی دارد و راه را برای توزیع شناسنامه‌های برقی باز می‌کند.

بر اساس طرح جدید، در شناسنامه‌های برقی و قانون ثبت احوال نفوس هیچ‌گونه تغییری وارد نمی‌شود؛ اما هم‌زمان به دارنده شناسنامه یک برگه داده می‌شود که در آن، بیش از سی مورد که اطلاعات مربوط به ملیت و مذهب را در بر دارد، گنجانیده می‌شود.

این گفته‌ها در حالی مطرح می‌شود که داکتر عبدالله عبدالله، رییس اجرایی حکومت وحدت ملی در ماه اسد سال ۱۳۹۴، در یکی از نشست‌های شورای وزیران وعده سپرده بود که در یکی از ۲۸ اسد همان سال که برابر به سالروز استرداد استقلال کشور می‌شود، روند توزیع شناسنامه‌های برقی آغاز می‌گردد، اما این روند بنابر دلایلی تا هنوز آغاز نگردیده است.

حشمت رادفر، مشاور رسانه‌ی ریاست اجرایی در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار می‌گوید: چهار ماه پیش از این و به‌خاطر بیرون شدن از بن‌بست موجود در زمینه توزیع شناسنامه‌های برقی، ریاست اجرایی طرح بدیلی را که در خود انعطاف‌های دارد ارائه کرد.

آقای رادفر می‌افزاید: «بر مبنای این طرح، برگه‌ی به اندازه نیم A4 در کنار شناسنامه برای متقاضیان توزیع می‌گردد که در این برگه، معلوماتی که سبب واکنش‌هایی در میان نهادهای مدنی، اعضای مجلس و شهروندان شده بود، ذکر می‌گردد.»

مشاور رسانه‌ی ریاست اجرایی تصریح می‌کند که در این برگه بیش از سی مورد معلومات در پیوند به دارنده شناسنامه ذکر و گنجانیده می‌شود و در کنار شناسنامه برقی، به عنوان سند رسمی به شهروندان توزیع می‌گردد. آقای رادفر با بیان این‌که موارد باقی برای توزیع شناسنامه‌های برقی همانند گذشته است، خاطر نشان می‌کند: «تحوالی که به میان آمده این است که جمعی از اطرافیان رییس‌جمهور غنی که در چند ماه گذشته روند شناسنامه‌های برقی را به اشکال مختلف به چالش می‌کشیدند، قانع شده‌اند تا این روند آغاز شود.»

مشاور رسانه‌ی ریاست اجرایی در ادامه سخنانش گفت که رییس‌جمهور غنی نیز به‌صورت شفاهی این طرح را حمایت کرده است.

آقای رادفر شایعات مطرح‌شده در شماری از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی را که گویا برای هر شهروند در کارت توزیع می‌شود را رد کرده گفت: این موضوع در طرح گذشته هم وجود داشت، تنها با این تفاوت که هم‌زمان با شناسنامه توزیع نمی‌شد و تنها در صورت مطالبه، در اختیار شهروندان قرار می‌گرفت که در طرح تازه هم‌زمان با توزیع شناسنامه متقاضی داده می‌شود.

آقای رادفر تأکید می‌کند که این طرح برای گذشتن از بن‌بست موجود فرا راه توزیع شناسنامه‌های برقی ارائه شده و تلاش جریان دارد تا مطابق به قانون ثبت احوال نفوس این روند شروع شود.

مشاور رسانه‌ی ریاست اجرایی تصریح می‌کند: طرح اصلی شناسنامه‌های برقی مانند گذشته است، هیچ تغییری در آن وارد نشده و چون تاهنوز طرح جدید نهایی نشده و موارد ذکر تابعیت، قوم، دین و مذهب بعد از مشوره ممکن است تا در برگه جدید درج شود.

آقای رادفر در پاسخ به پرسشی که روند توزیع شناسنامه‌های برقی چه زمانی شروع خواهد شد، گفت: هر زمانی که توافق سیاسی میان رهبران در این زمینه به میان آید، آماده‌گی‌های تکنیکی وجود دارد و این روند آغاز خواهد شد.

روند توزیع این شناسنامه‌ها تاکنون فراز و فرودهای زیادی را پیموده و هم‌زمان با بحث از سرگیری روند توزیع شناسنامه‌های برقی، ریاست عمومی ثبت احوال نفوس و شناسنامه برقی، شماری از بست‌های این نهاد را به اعلام سپرده و دنبال استخدام کارمندان جدید است.

این امر با انتقاد ده‌ها کارمند پیشین اداره توزیع شناسنامه‌های برقی روبه‌رو شده است. معترضان می‌گویند، آنان بر اساس آزمون شفاف استخدام شده بودند و برکناری آنان مخالف قانون کار و تعهدات قبلی مسئولان است.

از سویی هم، نهادهای کمک‌کننده برای ریاست توزیع شناسنامه‌های برقی، کمک‌های خود را مشروط به توافق مسئولان حکومت وحدت ملی برای آغاز این روند کرده‌اند.

آقای صمیم هم‌چنان از شکایت نماینده‌گان مجلس مبنی بر محدود ساختن رسانه‌های اجتماعی به‌خصوص فیسبوک ابراز بی‌خبری کرده افزود: تا کنون از ریاست جمهوری در مورد محدود کردن رسانه‌های اجتماعی مکتوب به این وزارت فرستاده نشده است.

آقای صمیم افزود: وزارت مخابرات و تکنالوژی از آزادی بیان پشتیبانی کرده و هر نوع سانسور برای رسانه‌های اجتماعی را غیر قانونی می‌پندارند.

سخنگوی وزارت مخابرات در قسمت از سخنان خود کنترل و پایان آوردن کیفیت خدمات اینترنت را در روز راه‌پیمایی جنبش روشنائی (۲ اسد) بی‌بنیاد خوانده افزود: این وزارت هیچ‌گونه اراده‌ی برای قطع و کاهش سرعت اینترنت و سانسور بر شبکه‌های اجتماعی ندارد و از آزادی بیان حمایت می‌کند.

آقای صمیم در واکنش به گفته‌های مسئولان نهاد نی حمایت‌کننده رسانه‌های آزاد مبنی بر این‌که سرعت اینترنت در روز راه‌پیمایی جنبش روشنائی کاهش یافته بود احتمالاً که از طرف مسئولان دولتی دست‌کاری شده باشد را حدس و گمانه‌زنی خوانده افزود: محدود ساختن و کاهش دادن سرعت اینترنت به ضرر اقتصادی دولت تمام می‌شود.

او گفت: وقتی در ساحه‌ی مخابراتی شمار مشتریان اضافه از ظرفیت پایه همان ساحه شود، کیفیت اینترنت پایین می‌یابد، چیزی در ساحه دهم‌زنگ با هجوم راه‌پیمایان‌کننده‌گان ایجاد شده بود.

آقای صمیم هم‌چنان، علت بر قرار نشدن نشرات زنده برخی از رسانه‌ها تصویری را وجود دستگاه‌های «جمر» در برخی از خودروه‌های افراد امنیتی مستقر در ساحه عنوان کرده که تداخل فرکانسی را به وجود آورده بودند.

به گفته آقای صمیم: در افغانستان ۱۵-۱۷ درصد از مردم به خدمات اینترنتی دسترسی دارند که از این جمع ۸۷ درصد به فیسبوک «رخنما» ۴ درصد به توپتر، ۲۱ درصد به link attached و شماری محدود از مردم از تلگرام نیز در افغانستان استفاده می‌کنند.





عتیق اللہ ساکت

مخنت های افغانستانی و لهجه شکسته فارسی

شریعتی در یکی از سخنرانی هایش یکی از خطرات خود را در باره «الیناسیون» یعنی از خود بیگانگی و از خود بیزارى چنین بازگو میکند:

روزى بهنگام سفر در هواپیما یکی از جوانان ایرانی در کنارم نشست. همینکه باوى خواستم صحبت کنم چنان با تکلف و مخلوط با کلمات انگلیسی و با فشارهای صوتی صحبت کرد که بنده فکر کردم موصوف حتماً فارسی را درست بلد نیست و ممکن همه عمرش در آمریکا و یا انگلستان سپری شده و انگلیسی برایش زبان اول و فارسی برایش زبان دوم شده است و ازین بابت گناهی نیست. راستش بسیار با بی میلی جوایم را داد و اصلاً مایل نبود که با من سر صحبت را باز کند. از قضا چند لحظه بعد یک شخص انگلیس واقعی وارد هوا پیما شد و او در کنار ما نشست. همینکه جوان ایرانی آن انگلیس را دید، مثل اینکه دوست دیرینه خود را یافته باشد، بسیار باشوق و علاقه و بهر نحوی کوشید تا با او همصحبت شود. همینکه صحبت میان آندو شروع شد، من هم بدون مداخله و بدون اینکه یک کلمه حرف بزنم صحبت های ایشان را میشنیدم ولی با تعجب متوجه شدم که همین جوان که پیشتر خود را نسبت بمن بی علاقه و غریزه نشان میداد، چنان با زبان انگلیسی نا بلد هست و بی قاعده و گنده صحبت میکند که اصلاً انسان خجالت میکشد. آرزو کردم حالا که فارسی را بیسوادانه و شکسته صحبت میکند، ایکاش انگلیسی اش خوب میبود. آن شخص انگلیس هم زمانیکه متوجه شد، این جوان بجز چند کلمه و جمله محدود، انگلیسی را بلد نیست و پس از چند جمله تعارفاتی انگلیسی اش تمام میشود و دیگر اصلاً نمیتواند به حرف هایش ادامه دهد و سخنان ویرا درست بفهمد بلکه به رسم تقلید ناهمیده به هر حرف او بیجا بیجا سر خود را با علامت تایید میجنابد و بعضاً بیجا شانه هایش را بالا میاندازد، و کلمات را مسخره آمیز و غلط غلط تلفظ مینماید، بمنظور تقویه محاوره خود احمقانه از هر جا بربط بربط سوال نموده وقت ویرا ضایع میکند، از حرف زدن با وی خودداری ورزیده خود را با مطالعه کتاب مصروف ساخت. اینجا من متوجه شدم که آنهمه شکسته شکسته حرف زدن آن جوان در زبان فارسی و بکار بردن کلمات انگلیسی با زبان دری و اداهایش برای من همه و همه صرفاً یک تظاهر بیجا بود و موصوف در حالیکه خود را زیاد غریزه و از خود بیگانه نشان میداد، متأسفانه که همان زبان انگلیسی را هم درست یاد نداشت و همینکه اگر چهار جمله با وی محاوره میکردی، بند میماند و دیگر توان مکالمه انگلیسی را هم نداشت.

حالا مخنت های ازین قبیل در جامعه سرطانی ما نیز به وفرت ظهور کرده اند که در هنگام حرف زدن حروف «ر» را چنان پر اداء نموده و دهان خود را قصداً کج و معوج میسازند که گویی اینجناب همه عمرش در قصر سفید با آقای جورج دبلیو بوش و او با ما سپری شده است. مخنت بچه رسانه خورشید که برنامه کنسرت را در تاجکستان گرداندگی میکرد، پرده از روی این واقیعت تلخ برداشت و بیچاره بسیار تصنع بخرچ میداد تا فارسی را با لهجه انگلیسی بیامیزد و من یقین دارم که این امر باعث تعجب مردم تاجکستان شده و شاید ایشان تعجب کرده باشند که آخر چرا زبان فارسی در افغانستان اینگونه تلفظ میشود. آیا اینگونه تلفظ کج و معوج در همه افغانستان معمول است و همه فارسی زبانان اینگونه صحبت میکنند؟ آیا این طرز حرف زدن مولود تهاجم زبان انگلیسی و استقرار نیروهای خارجی است که افغانستان تحت اثر آنها باین زودی لهجه ادبی خود را از دست داده اند؟؟ برای رفع اینگونه گمانه زنیها مالکین و روسای رسانه ها در همچو برنامه های خارجی باید کارمندان با ادب و باسواد خود را برای گرداندگی بفرستند نه مخنت های شکارچی خود را که بوسیله ایشان دام میمانند و کام میستانند.

البته در چند رسانه دیگر نیز میتوانی اینگونه جوان های الیناسیون شده را خصوصاً در برنامه های که آهنگ های فرمایشی را پخش میکنند، ببینید. با بینی و خیشوم صحبت کردن، کلمات را جویده جویده تلفظ کردن، بجای السلام و علیکم، سام کم بیندای عزیز اینانگ درج چررم گرفته درر شب رررر

من هم نفهمیدم که چه میگویند؟؟؟؟؟؟؟؟

## امتناع پنتاگون از پرداخت ۳۰۰ میلیون دالر کمک نظامی به پاکستان

پنتاگون به علت خودداری پاکستان از مقابله عملی با فعالیت شبکه تروریستی حقانی در این کشور، از پرداخت کمک نظامی ۳۰۰ میلیون دالری به اسلام آباد خودداری می کند.

روابط میان پاکستان و امریکا در یک دهه گذشته تنش زا شده و مقام های امریکایی به خاطر عدم توانایی اسلام آباد نسبت به مقابله با شبکه حقانی و طالبان افغانستان بسیار از این کشور ناامید شده اند.

آدم استامپ، سخنگوی پنتاگون گفت: این مبلغ در حال حاضر به دولت پاکستان داده نمی شود، چون وزیر دفاع امریکا هنوز این مسأله را تایید نکرده که دولت پاکستان در مقابله با شبکه حقانی و شبه نظامیان طالبان افغانستان آن چنان که باید خوب عمل کرده اند یا خیر.

او ادامه داد: این تصمیم از اهمیت تلاش های ارتش پاکستان در مقابله با شبه نظامیان در دو سال گذشته نمی کاهد.

پرداخت مبلغ ۳۰۰ میلیون دالر به پاکستان تحت توافق صندوق کمک مالی حمایت ایتلاف باید صورت بگیرد که جزیی از برنامه پنتاگون برای کمک به کشورهای متحد به منظور مقابله با گروه های تروریستی و عملیات شبه نظامی گرایانه است. پاکستان بزرگترین دریافت کننده این کمک های مالی محسوب می شود. بر اساس آمارهای وزارت دفاع امریکا، تاکنون مبلغ ۱۴ میلیارد دالر به پاکستان و از سال ۲۰۰۲ به پاکستان داده شده است.

دولت اسلام آباد این مسأله را رد کرده که به شبه نظامیان پناه می دهد و تنها گفته که تمام تلاش خود را به کار گرفته تا از فعالیت های این افراد در خاک خود و هم چنین مناطق اطراف جلوگیری کند.

سخنگوی سفارت پاکستان در امریکا نیز در این باره گفت: صندوق حمایت مالی ایتلاف یکی از توافقات همکاری میان امریکا و پاکستان برای تداوم مقابله با گروه های تروریستی است.

## افشاگر داعش: این گروه به دنبال انجام حملات هم زمان در انگلیس، فرانسه و آلمان است

یکی از اعضای سابق داعش که به افشاگر مسایل این گروه تروریستی تبدیل شده، هشدار داده است که این گروه تروریستی قصد دارد حملات هم زمانی در انگلیس، فرانسه و آلمان انجام دهد.

هری سارفو، متولد آلمان، بزرگ شده در انگلیس و یکی از اعضای سابق داعش است که می گوید، فرماندهان این گروه تروریستی قصد دارند حملات چندگانه بی را در اروپا انجام دهند.

سارفو توضیح داده است، زمانی که در سال ۲۰۱۵ به سوریه رفته بوده، به او گفته شده که به وطن آلمان بازگرد تا یک حمله تروریستی را طراحی و اجرا کنی.

این جوان ۲۷ ساله از رویارویی اش با یکی از اعضای سرویس مخفی داعش می گوید که به او و دوستش گفته است به خانه بازگردند.

او می گوید: این عضو داعش صراحتاً درباره شرایط صحبت می کرد و می گفت تعداد زیادی از اعضای داعش در کشورهای اروپایی زنده گی می کنند و منتظر فرمان گروه برای حمله به مردم هستند.

سارفو ادامه می دهد: این اظهارات دقیقاً قبل از حملات بروکسل و پاریس بود. آن ها به ما گفتند، ممکن است به آلمان بازگردید؟ چرا که در حال حاضر ما به این نیاز داریم. آن ها همواره می گفتند به دنبال آنند که هم زمان حمله بی را در چند کشور عملی کنند. آن ها می خواهند هم زمان حملات متعددی را در انگلیس، آلمان و فرانسه ترتیب دهند. سارفو که اکنون به اتهامات تروریستی در زندان به سر می برد، می گوید: داعش نیروهای متعددی را در انگلیس و آلمان به خدمت گرفته است، اما این نیروها پیش از انجام حملات جا می زنند. اما در مقابل برای انجام حملات تروریستی داوطلبان کافی در فرانسه دارند. سارفو توضیح می دهد که دوستش از این عضو داعش درباره عضوگیری در فرانسه می پرسد و او می خندد و می گوید، درباره فرانسه نگران نباشید.

این مأمور سابق یُست تأکید می کند، صدها تن از اعضای داعش اکنون به اروپا بازگشته اند.

او هم چنین می گوید، داعشی ها معمولاً به دنبال افرادی هستند که سابقه کیفری دارند؛ چرا که این افراد معمولاً با حلقه مجرمان ارتباط دارند.

سارفو پیش از این توضیح داده بود که علت پیوستن به این گروه تروریستی چه بوده است: چرا که فلم های شان وحدت زیر یک پرچم را نشان می داد... سیاه، سفید، آسیایی و عرب و از هر گروهی از سنی ها حمایت می کردند.

او گفته بود که پس از بازداشت های متعدد در اروپا و قرار گرفتن تحت نظارت آژانس های اطلاعاتی پس از گرویدن به اسلام به او احساس قربانی بودن می کرده است.

سارفو در نهایت پس از سه ماه دیدن زنده گی ظالمانه داعش از نزدیک تصمیم می گیرد از این گروه جدا شود.

## رونالدو، بیل، گریزمان ۳ گزینه مرد سال فوتبال اروپا



از سوی اتحادیه فوتبال اروپا رونالدو، بیل و گریزمان گزینه نهایی بهترین فوتبالیست سال اروپا شدند. اتحادیه فوتبال اروپا اقدام به انتخاب ۳ گزینه نهایی برای کسب عنوان بهترین بازیکن قاره سبز در یک سال گذشته کرد.

۲ ستاره رئال مادرید یعنی گرت بیل از ولز و کریستیانو رونالدو از پرتغال به همراه آنتوان گریزمن، مهاجم فرانسه در یورو ۲۰۱۶ و عضو اتلتیکو مادرید ۳ گزینه نهایی انتخاب برترین بازیکن سال فوتبال اروپا هستند.

قرار است در تاریخ ۴ شهریور ۹۵ (۲۵ اگست) که مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپا قرعه کشی می شود، بهترین بازیکن فوتبال اروپا معرفی شود.

## قرعه کشی مرحله پلی آف لیگ اروپا



قرعه کشی مرحله پلی آف لیگ اروپا بعد از ظهر جمعه در نیون سوییس برگزار شد.

- آستانه (قزاقستان) - باته بوریسف (بلاروس)
  - آروکا (پرتغال) - المپیاکوس (یونان)
  - میتیلند (دانمارک) - عثمانلی اسپور (ترکیه)
  - دینامو تفلیس (گرجستان) - پانوک (یونان)
  - خنک (بلژیک) - سکندیا (مقدونیه)
  - سوندریسک (دانمارک) - اسپارتا پراگ (چک)
  - گتبروگ (سوئیس) - قره باغ (آذربایجان)
  - راپیدوین (اتریش) - ترنچین (اسلواکی)
  - لیبرک (چک) - آاک لارانکا (قبرس)
  - آستریا وین (اتریش) - روزنبرگ (نروژ)
  - نماینده رژیم اشغالگر قدس - سن اتین (فرانسه)
  - ماریبور (اسلونی) - قابالا (آذربایجان)
  - آسترا (رومانی) - وستهام (انگلیس)
  - برندبی (دانمارک) - پاناتینایکوس (یونان)
  - اندرلخت (بلژیک) - اسلواوا پراگ (چک)
  - فترباغچه (ترکیه) - گرس هوپر (سوئیس)
  - کراسنودار (روسیه) - پارتیزانی (آلبانی)
  - بلدیه اسپور (ترکیه) - شاختار دونتسک (اوکراین)
  - ستاره سرخ بلگراد (صربستان) - ساسولو (ایتالیا)
- دیدارهای رفت ۱۸ آگوست و بازی های برگشت بیست و پنجم این ماه برگزار خواهد شد.



## قهرمان مبارزه آزاد به دولت:

# کمیته المپیک را از یاد نبرید

گفت‌وگو کننده: روح الله بهزاد

اشاره: احمد فواد آریا، قهرمان چندین مرتبه‌ی رشته ورزشی «هاشی‌هاراکاراته»، «مبارزه آزاد» و قهرمان تیم ملی افغانستان است. او چهارده سال است که در رشته‌های مختلف ورزشی در کشور تمرین کرده و در حال حاضر در سازمان «HSP» مسابقه می‌کند. آریاز سال‌های ۲۰۰۷ الی ۲۰۰۸ بهترین مبارز در رشته خود بوده است. آقای آریا اخیراً مسابقه‌ی در کشور هندوستان داشت که توانست کپ قهرمانی این مسابقات را از بهترین مبارزین کشور بستاند. روزنامه ماندگار مصاحبه‌ی را با آقای آریا ترتیب داده است که تقدیم خواننده‌گان عزیز می‌گردد:

در نخست لطف کرده در مورد مسابقه اخیرتان که در کشور هندوستان برگزار گردیده بود، بگویید؟

مسابقه‌ام در کشور هندوستان به تاریخ ۲۰ ماه‌جاری میلادی برگزار گردید. این مسابقه نیمه مرکزی بود که

در ازای به‌دست‌آوردن کپ قهرمانی، نخست با یک حریف نیپالی مقابل شدم که او از مسابقه با من خود را کنار کشید و من با بهترین مبارز یا فایتر هندوستان مقابل شدم. این فایتر هندوستان قهرمان تیم ملی بوکسینگ هندوستان نیز بود که توانستم در ظرف دقیقه و ۳۰ ثانیه او را نک‌آوت کنم و قهرمان شوم. باید یادآور شوم که یک روز بعد از این مسابقه، به‌صورت بی‌پیشینه خبر قهرمانی یک افغانستانی و باخت یک هندوستانی در رسانه‌های این کشور پخش و نشر گردید.

چه زمانی ورزش را آغاز کردید و هم‌چنان بگویید که در کدام رشته‌ها ورزش کرده‌اید؟

ورزش را چهارده سال قبل از رشته «تکواندو» آغاز کردم، دوسال در این رشته ماندم و مسابقات داخلی زیادی هم داشتم. بعد از آن وارد رشته «کانگفو توا» شدم و دوسال را هم در این رشته به ورزش پرداختم. در مدت چهارده سال، هشت سالدر رشته «هاشی‌هاراکاراته» ماندم که در

این مدت، مدال‌های داخلی و خارجی دارم و پنج سال قهرمان تیم ملی افغانستان در این رشته نیز بودم. دلیل تبدیل کردن رشته‌های ورزشی‌ام بیشتر بی‌توجهی دولت به آن رشته‌ها و نداشتن مسابقات خارجی بود، چون بسیار علاقه داشتم به مسابقات خارجی بروم. اما مدت دوسال می‌شود که در رشته مبارزه آزاد یا «MMA» تمرینات خود را به پیش می‌برم. قابل ذکر است که در حال حاضر عضویت تیم ملی هردو رشته یعنی هاشی‌هاراکاراته و مبارزه آزاد را دارم.

در مورد دست‌آوردهای‌تان برای خواننده‌گان ما بگویید، تا به حال چه دست‌آوردهایی داشته‌اید؟

در مسابقات داخل کشور دست‌آوردهای زیاد در همه رشته‌های که تمرین کرده‌ام دارم، تا آن‌جا که از سال ۲۰۰۴ الی ۲۰۰۹ قهرمان تیم ملی و دوسال بهترین مبارز بودم. از سفرهای خارجی، یک مدال طلا از کشور ترکیه و یک مدال نقره از کشور ایران شامل دست‌آوردهایم است. در کنار آن، دو دست‌آورد خارجی دیگر در رشته ورزشی مبارزه آزاد دارم که هردواز کشور هندوستان یکی در سال ۲۰۱۴ و اخیراً ۲۰۱۶ است.

چرا رشته‌های ورزشی هاشی‌هاراکاراته را ترک کردید؟ در نخست دوست‌ها و علاقه‌مندانم برایم پیشنهاد دادند که باید به رشته ورزشی مبارزه آزاد بپیوندم، بعد از آن خودم علاقه‌مند این رشته شدم، هردو انگیزه مرا واداشت تا رشته مبارزه آزاد را پیش بگیرم.

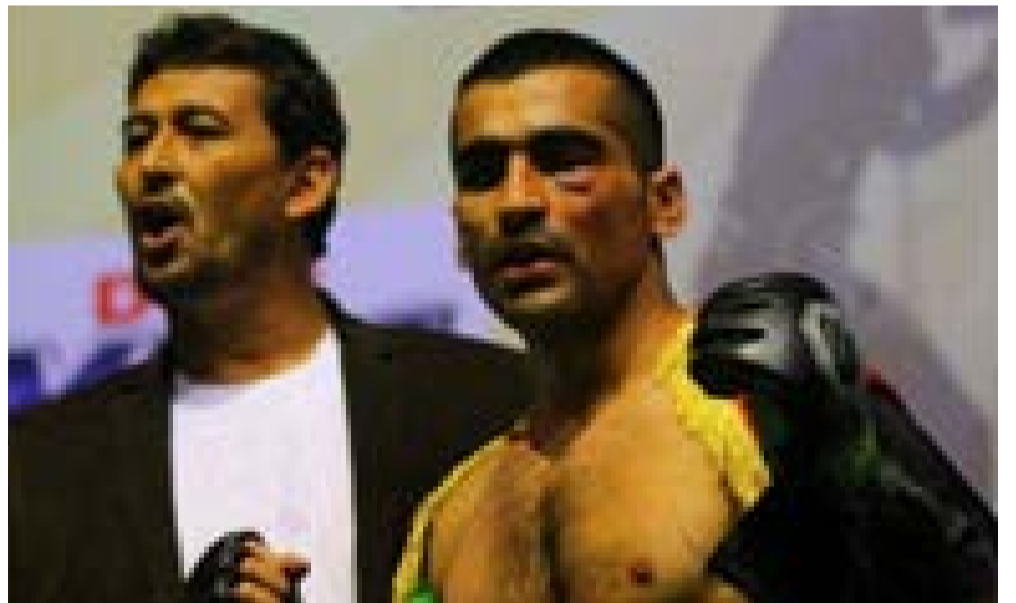
ورزش‌کاران افغانستان با چه مشکلاتی مواجه‌اند؟

در کل مشکلات کمیته المپیک افغانستان فراوان است، این کمیته اندکی نسبت به ورزشکاران و سفرهای خارجی آن‌ها بی‌توجه است که امیدوارم از این پس این بی‌توجهی ادامه نداشته باشد، چون این بی‌توجهی استعدادها و ورزشی ما را به باد فنا می‌دهد. افغانستان استعدادها فراوانی در قسمت ورزش دارد که هرکدام‌شان یک قهرمان هستند، اما همکاری از سوی کمیته ملی المپیک دیده نمی‌شوند، به دلیل حاکم‌بودن روابط بر ضوابط در این کمیته، اکثر استعدادها خاموش



و نا شناخته مانده‌اند.

پیام‌تان به جوانان و خواست‌تان از حکومت چیست؟ افغانستان یک کشور جهان سوم است؛ مشکلات و چالش‌ها در این کشورها فراوان می‌باشد. جوانان و در کل مردم افغانستان باید خودشان را از دست ندهند و با هر نوع مشکل و چالش مبارزه کنند، امروز و فردای این مملکت از ماست، بنا خوب است در یک بخشی از این کشور سهم بگیریم و به آبادانی و افتخارآفرینی بپردازیم. شاید تکراری باشد اگر بگویم از دخانیات و مواد مخدر دوری شود؛ چون ما مصداق‌های زیاد اشخاص معتاد را در جامعه می‌بینیم که برای خود کاری کرده نمی‌توانند چه رسد به این‌که برای کشور و مردم خدمت کنند. در کنار این، از حکومت می‌خواهم تا توجه‌شان را به کمیته ملی المپیک و جوانان آن مبذول بدارند، چون یکی از راه‌های شناخت حکومت‌ها و میزان کارکرد و خدمت‌گذاری‌شان برای مردم آن کشور، بلندبودن پرچم آن کشور در سطح جهان و بین‌الملل است، بنا برای نشان‌دادن چهره واقعی و صلح‌آمیز افغانستان نیاز است تا در قسمت ورزشکاران سرمایه‌گذاری و توجه صورت گیرد.



## وزیر دفاع امریکا:

# باید در نابودی سرطان داعش تعجیل کنیم



جمع خبرنگاران از پیشرفت‌های ائتلاف تحت رهبری واشنگتن علیه داعش ابراز رضایت و تاکید کرد: به طور حتم این گروه نابود خواهد شد. وی گفته‌است خطر حملات پراکنده داعش همچنان یک "تهدید واقعی" است.

کمک به ارتش و نیروهای امنیتی آن کشور هستند؛ ولی مشخص نیست آیا به نیروی بیشتری در آن کشور نیاز است، و در آن صورت در چه زمانی برای اعزام پرسنل نظامی جدید در نظر گرفته خواهد شد. همزمان با این مصاحبه کارتر با شبکه خبری فاکس نیوز، باراک اوباما، رئیس‌جمهوری امریکا نیز در

وزیر دفاع امریکا در اظهاراتی تاکید کرد مبارزه با گروه تروریستی داعش همچون نبرد با سرطان است و باید "هرچه سریعتر" این سرطان را ریشه‌کن کرد و در همین راستا ائتلاف مبارزه با داعش تحت رهبری امریکا باید حملاتش علیه داعش را تشدید کند.

اشتون کارتر، وزیر دفاع امریکا در گفت‌وگو با شبکه خبری فاکس نیوز گفت که به اعضای ائتلاف مبارزه با داعش گفته باید اقدامات بیشتری در جنگ با داعش انجام دهند.

وی خاطر نشان کرد: امریکا بر تلاش خود علیه داعش افزوده و از اعضای ائتلاف نیز خواسته بیشتر در این نبردها دخیل شده و فعالیت بیشتری انجام دهند چون ما باید هر چه سریعتر در این جنگ پیروز شویم.

کارتر گفت: داعش باید در عراق و سوریه یعنی جایی که این سرطان آغاز شد نابود شود. وی افزود: البته این کافی نیست، چون آنها به افغانستان و به لیبی نیز سرایت کرده‌اند.

ائتلاف مبارزه با داعش تحت رهبری امریکا طی دو سال گذشته، دست به حملات هوایی در عراق و سوریه علیه گروه داعش زده است؛ حملاتی که بخشی از آنها برای حمایت از نیروهای زمینی درگیر با این تروریستها انجام شده‌اند.

وزارت دفاع امریکا چند روز پیش اعلام کرد، ارتش این کشور، به درخواست "دولت وحدت ملی" اقدام به حملات هوایی علیه مواضع داعش در این کشور کرده است. وزارت دفاع امریکا می‌گوید: در حال حاضر هنوز زمان مشخصی برای پایان دادن به این حملات هوایی علیه داعش در لیبی در نظر گرفته نشده‌است.

اشتون کارتر در گفت‌وگو با برت بایر مجری شبکه خبری فاکس نیوز اظهار کرد: عملیات هوایی در لیبی بر شهر «سرت» متمرکز است چرا که شبه‌نظامیان داعش در این شهر حضور گسترده‌ای دارند. وی افزود: حمله به مواضعی انجام می‌شود که ارتش لیبی آن‌ها را شناسایی و اطلاع‌رسانی می‌کند و مطمئن هستم این کار ادامه پیدا خواهد کرد. همچنین افغانستان هم از دیگر مناطقی است که امریکا از ارتش آن حمایت کرده و درگیر نبردهایی با گروه های افراط‌گرا در این کشور از جمله شاخه وابسته به داعش است.

به گفته کارتر، نبرد با داعش باید هرجایی که سلول‌های سرطانی این گروه به آن سرایت می‌کنند، انجام شود ولی تمرکز اصلی همچنان بر عراق و سوریه است.

پیش از این شبکه خبری ان‌بی‌سی گزارش داده بود بنا بر نقشه‌ای از فعالیتهای داعش که در کاخ سفید وجود دارد و این شبکه به آن دسترسی پیدا کرده، دولت امریکا اعتقاد دارد داعش در ۱۸ کشور به طور کامل فعال است. وزیر دفاع امریکا، در بخش دیگری از مصاحبه خود گفت در حال حاضر ۳۵۰۰ پرسنل نظامی امریکایی و هفتاد و شش هزار پرسنل نظامی ائتلاف در عراق، در حال